



نقشه های خرابکارانه!

هنگامیکه پرتو پرفروغ اسلام ، جهان تاریک را روشن میکرد ، سرزمین یثرب (مدینه) مهمترین منطقه ای بود که قبائل متشکل یهود ، از قبیل : بنی قریظه ؛ بنی نظیر ، و بنی قینقاع ، در اطراف آن ، قلعه ها و استحکامات ، پدید آورده و در آنها زندگی میکردند ، و برای حفظ موجودیت خود ، بار و سای قبائل عرب ، که در کنار آنها زندگی میکردند ، پیمانهای عدم تعرض بسته و پادادن باجها و مالیاتها و هدایا ، رضایت خاطر آنان را جلب مینمودند (۱)

و قتیکه پیغمبر اسلام ، بمدینه مهاجرت کرد ، تصمیم گرفت : برای برقراری امنیت و آرامش داخلی ، تمام قبائل مدینه و اطراف آن را در یک پیمان مشترک دفاعی جمع نماید ، و اینکار را هم کرد و حتی با یهودیانیکه در اطراف مدینه زندگی میکردند ، پیمان بست که بر ضد مسلمین و هم پیمانان آنان ، اقدام خرابکارانه ای نکرده و در صورت لزوم ، از مدینه و مسلمانها دفاع نمایند ، و در مقابل ، پیشوای اسلام نیز ، متعهد گردید که از حقوق آنان ، حفاظت نماید (۲)

تا زمانیکه اسلام قدرت نگرفته بود و مسلمانها بسوی « بیت المقدس » نماز میخواندند ، یهودیان ، به پیمان خود وفادار بوده رابطه میان آنها و مسلمین ، عادی بود ، ولی هنگامیکه اسلام ، روبرو توسعه و پیشرفت گذارد ، و در سال دوم از هجرت ، موضوع تحویل قبله از بیت -

(۱) اليهود فی القرآن ص ۱۸

(۲) ابن هشام متن پیمان پیامبر را با قبائل مختلف یهود ، بتفصیل آورده و از آن جمله

است «... لليهود دينهم وللمسلمين دينهم، مواليهم وانفسهم الامن ظلم واثم فانه لا يوتغ الانفسه واهل

بيته . . . » (سيرة ابن هشام ج ۲ ص ۵۰۴) .

المقدس به کعبه پیش آمد ، یهودیان ، پیمانهای گذشته را نادیده گرفته گاهی با ایجاد شبهه در اذهان تازه مسلمانها و گاهی از راه بندوبست بامشركين مکه و كمك نظامی و اقتصادی بدشمنان اسلام (که برخلاف پیمان آنها بوده) و گاهی هم بشکل قیام مسلحانه برضد مسلمانها روش خصمانه خود را آشکار نمودند ، و حتی چندین بار ، قصد جان پیغمبر اسلام را کردند ، ولی خوشبختانه نقشه های شوم آنان ، نقش بر آب ، گردید ، نتوانستند با کشتن آنحضرت ، اسلام را در نطفه خفه کرده جلوائن جنبش عظیم را بگیرند !

گوشه ای از خرابکاریهای یهود ؟ !

گرچه در ضمن سلسله مقالات « فرازهایی از تاریخ اسلام » بطور پراکنده نقشه های تخریبی یهود ، برضد اسلام ، آمده و خوانندگان محترم ، از توطئه ها و اعمال تخریبی آنان ، آگاه گردیده اند ، ولی برای آنکه بطور مستقل و فشرده در ضمن یک بحث کوتاه معلوم شود که چه تلاشهایی این ملت خودخواه ، در طول تاریخ ، برای انعدام اسلام ، و مسلمین ، نموده و اکنون نیز ، همان فعالیتها منتهی بطرز دیگر ادامه دارد ، به نمونه های زیر می پردازیم :

بعد از خاتمه جنگ « بدر » یهودیان « قبیله بنی قینقاع » در یک جلسه علنی ، پیغمبر اسلام را تهدید ب جنگ کردند ، و زمینه کار نشان میداد که آنها بدون بندوبست با کفار و منافقان ، با کمی نفرتشان ، اقدام ب چنین کاری نکرده اند ، بعلاوه آنها برخلاف پیمان خود که می بایست جان و مال و ناموس مسلمین را محترم بدارند ، در حادثه ای ، زن مسلمانی را مورد بی احترامی قرار داده و در نتیجه چند نفر ، در آن حادثه از طرفین کشته شدند ! (۱)

یهودیان « بنی نضیر » نیز مانند « بنی قینقاع » به پیمان خود ، وفادار ، نماندند ، یعنی : با آنکه طبق پیمان خود ، می بایست با مسلمین ، برضد مشركين که دشمن مشترك آنها بوده وارد جنگ شوند ، در جنگ « احد » آنها را تنها گذاشتند !

و از طرف دیگر ، در حادثه ای ، میخواستند : با انداختن سنگی از بالای بام ، بر سر پیغمبر ، او را بقتل برسانند ! (۲) هنگامیکه قبائل مختلف مشركين ، به تحریک یهودیان بنی نضیر و خیبر متشکل شده در حدود ده هزار سرباز جنگجو برای نابودی مسلمین ، از مکه بمدینه اعزام داشته مقدمات « جنگ احزاب » فراهم کرده بودند ، و مسلمین ، در اثر کمی نفرت ، و نداشتن

صفحه ۷۴

۱ - سیره ابن هشام ج ۳ ص ۴۷ - کامل ابن اثیر ج ۲ صفحه ۹۶ - اليهود فی القرآن

۲ - کامل ابن اثیر ج ۲ صفحه ۱۱۹ - اليهود فی القرآن صفحه ۷۶

سازو برك نظامی کافی ناگزیر دور شهر را « خندق » کشیده و در پناه آن، قرار گرفته بودند ، یهودیان و بنی قریظه ، از این موقعیت خطرناک ، سوءاستفاده نموده عهد و پیمانیکه با پیامبر اسلام، بسته بودند ، شکسته رسماً با کفار مکه در نابودی مسلمین ، همکاری نمودند!

در بیست و پنج فرسنگی شهر مدینه قلعه‌ها و استحکاماتی که متعلق به یهودیان « خیبر » بوده وجود داشت که مرکز خرابکاران و توطئه‌گران، بشمار میرفته است.

یهودیان این منطقه صرف نظر از اینکه در حوادث گذشته مخصوصاً در برانگیختن قبائل مختلف قریش ، بر ضد مسلمین ، و پیدایش « جنگ احزاب » دست داشته‌اند، خود را برای یک نبرد انتقامی آماده می‌کردند!

از یک طرف به همکاری یهودیان بنی نضیر که با نجا پناه برده بودند ، و قریش که در صدد جبران شکستهای گذشته خود بودند ، تصمیم گرفتند ، رابطه تجاری و اقتصادی مدینه را باشام که برای مردم مدینه جنبه حیاتی داشته قطع نمایند!

و از طرف دیگر ، موقعیتی که آنان ، از لحاظ اقتصادی و نظامی داشتند ، با آنها امکان میداد که با همکاری هم کیشان ضربه خورده خود و قبائل مختلف قریش ، و بند و بست با دوامراطوری روم و ایران ، موجبات ناراحتی و چه بسا نابودی مسلمانان را فراهم کنند و آثار این زدو بندهای سیاسی و فعالیتهای پشت پرده نیز ، کم و بیش ، آشکار بود!

روی این جهات ، پیامبر اسلام ، بعد از صلح حدیبیه ، بسوی خیبر شتافت و پس از ۲۵ روز نبرد ، قلعه‌های خیبر را فتح کرد و یهودیان این منطقه را همانند بنی قینقاع و بنی نضیر و بنی قریظه محدود ساخت و مرکز اسلام یعنی مدینه را از کارشکنیها و قیام مسلحانه و تحریکات یهودیان ، مصون گردانید (۱)

در هم شکستن استقلال سیاسی

در مقابل این همه نقشه‌های خرابکارانه یهود ، تنها کاری که اسلام انجام داد ، صفوف متشکل آنها را که آماده نبرد با اسلام و سنگر بندی بر ضد آن بوده در هم شکست و استقلال سیاسی آنان را از بین برد ، نه آنکه با ملت یهود ، ابراز دشمنی کرده در صدد از بین بردن آن ، بر آمده باشد ، بطوری که در مباحث آینده خواهیم دید : اسلام ، یهود را از « اهل کتاب » میدانند و اصل دین آنها را آسمانی می‌شناسد و معتقد است : موسی پیامبر آنها از پیامبران بزرگ خدا است و کتاب او تورات از کتابهای آسمانی است ، نهایت آنکه در اثر مرور زمان و گرفتاریهایی که برای بنی اسرائیل ، پیش آمده و مقاصد اهریمنانه تحریف یا تبدیل شده است .

(۱) مراجعه شود بکتابهای : حیات محمد - الیهود فی القرآن - همزیستی مسالمت آمیز

روی همین اصل ، همواره یهودیان مانند دیگر اهل کتاب و پیروان ادیان ، از سماحت و بزرگواری اسلام ، برخوردار ، و در قلمرو آن ، از هر گونه آزادی مذهبی و حقوق اجتماعی ، بهره‌مند بودند .

در طول دوران عظمت و قدرت مسلمین ، دیگر یهودیان ، مجال برای خرابکاری و اعمال نقشه‌های تخریبی پیدا نکرده ناگزیر ، در نقاط مختلف سرزمینهای اسلامی ، بطور متفرق ، زندگی میکردند .

اما همینکه حکومت نیرومند اسلامی ، در اثر بی‌لیاقتی زمامداران مسلمان ، و کاردانی دشمنان اسلام ، تجزیه گردید ، و هر منطقه‌ای بدست جاه‌طلبی افتاد ، و اختلافات داخلی با وج شدت خود رسید ، در نتیجه قدرت و عظمت مسلمین ، رو به ضعف گذارد ، یهودیان فرصت طلب ، نقشه‌های تخریبی خود را آغاز نمودند .

در سال ۱۸۹۷ حزب صهیونیسم یهود ، در نخستین کنگره رسمی خود ، که در شهر « بال سوئیس » تشکیل یافته بود ، رسماً مقاصدشوم و اهریمنانه خود را ابراز داشت و پندار خامی را که مبنی بر غصب سرزمینهای اسلامی و ایجاد یک دولت مقتدر یهودی که وسعت خاکش ، بهمان اندازه ای باشد که تورات تحریف شده وعده داده است یعنی : از دریای مدیترانه تا نهر فرات و از لبنان ؛ تا رود نیل آشکار ساخت و در نتیجه پیش‌آمد آنچه که نباید پیش آید (۱)

(۱) برای بدست آوردن اطلاعات بیشتر ، مراجعه شود بکتابهای : سرگذشت فلسطین - درباره فلسطین - بر تو کولات حکماء صهیون .

بقیه از ص ۳۸

واقعی‌شان در برابر دیگران آشکار گردد ، اینگونه اشخاص هر قدر موقعیت اجتماعی‌شان بیشتر باشد اضطراب و دلهره‌شان بیشتر خواهد بود . در واقع این اشخاص دارای دو چهره متضاد میباشند ، و این تضاد از این نظر است که مقداری صفات ایدآل در ذهنش میسازد ، و گمان میکند که آن فضائل را دارا است با آنکه با واقعیت خود فاصله زیادی دارد ، هر قدر تصورات ایدآل غیر واقعی باشند ، شخص را متزلزل و محتاج تصویب و تمجید دیگران میسازد .

انسان‌ها برای خصالی که واقعاً دارند ، محتاج تحسین و تصویب دیگران نیستند ، بلکه بخاطر صفاتی که در آنها نیست ، یا لاقابل‌بان اندازه که آنها تصور میکنند نیست ، احتیاج به تأیید و تصویب دیگران داشته ، حساسیت نشان میدهند (۱) .

بنابراین در شئون زندگی ، هر قدر بیشتر بخود صفات روحی آشنا تر بوده ، و با دید واقع بینانه روحیات خود را مورد بررسی قرار دهیم ، و درصد جبران و رفع آن باشیم از اضطراب و تشویش دورتر خواهیم بود ، و در نتیجه بهتر خواهیم توانست خود را با الگوهای اصیل انطباق دهیم .

(۱) تضادهای روانی ص ۷۴ تألیف کارن هورنای